



خطیب زاده:
ناخرسندی مان از رفتار اخیر عراق و افغانستان را اعلام کردیم

سیاست ۲

نوعی ایرانی



ربیعی:
فرآیند غنی سازی ۲۰ درصدی در فردو آغاز شد

سیاست ۲

پای در دلدل های کود کان زباله گرد

دلیم برای پلو و گوشت لک زده
دسترنج ۴

روحانی قانون اخذ مالیات از خانه های خالی را ابلاغ کرد
چرتکه ۳

برگزاری دور دوم انتخابات سنا در ایالت جورجیا همزمان با افشای تماس تلفنی ترامپ

آخرین رویارویی حزبی قبل از ۲۰ ژانویه
جهان ۵

پیامک پر حاشیه شرکت توزیع نیروی برق به مردم

بیشتر لباسی بپوشید!
چرتکه ۳

اعتراض کارگران به کندی در تهاثر بدهی های هپکو
دسترنج ۴

یک گزیننه جذاب برای انتخابات فدراسیون فوتبال

جادوگر وارد می شود!
آدرنالین ۷

طرح های حاشیه دار مجلس ادامه دارد؛

تکلیف دولت برای نابودی اسرائیل تا ۱۴۴۰!

به نظر می رسد نمایندگان که با شعار «نجات اقتصاد ایران» روی کرسی های بهارستان نشستند، بعد از طرح هایی مانند «اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری»، «چاره و علاجی برای نجات وضعیت معیشتی مردم بیندیشند، اما آقایان طرح تازه دیگری را ترتیب داده اند؛ طرحی که برای چندمین بار منجر به شگفتی ناظران شد؛ چرا که دولت را مکلف می کند تا ۲۰ سال دیگر اسرائیل را از بین ببرد یا به عبارتی از میان بردارد!

این طرح همان طرح ۱۶ ماده ای «اقدام متقابل ایران» در برابر ترور سردار قاسم سلیمانی است که هفته پیش اعلام وصول شد و اکنون جزئیات آن منتشر شده است. ماده یک آن بسیار مفصل و مربوط به خروج نیروهای آمریکایی از منطقه است که به بخش هایی از آن اشاره می کنیم. در بند یک این ماده آمده است: «جمهوری اسلامی ایران با هر کشوری که تروریستهای فوق را مجبور به خروج کند در صورت درخواست دولت میزبان و حصول توافق بر سر هزینه ها آماده همکاری دفاعی حداقل به مدت ۵ سال در محدوده قوانین خود خواهد بود. وزیر امور خارجه موظف است این تعهد را رسماً به گزارش دولتهای میزبان برساند.»

در بند دو، مسئولیت اقدامات...
سیاست ۲

لایحه «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» بالاخره در دولت تصویب شد

نخستین گام های یک مسیر ناهموار

شهرنوشت ۶

انتقاد مردم به صف های طولانی روغن در شهرهای ایران

روغن هم دلار ۴۲۰۰ تومانی گرفت، هم نایاب شد!

چرتکه ۳



گفت گو

محسن آرمین در گفت گو با پیام نو:

اگر توانستید درباره کرونا یاب مستعان سوال کنید، می توانید از رئیس جمهور نظامی هم بازخواست کنید

دولت مورد حمایت هم بود این بانک ها مثل قارچ از زمین سبز و نهایتاً باری بر دوش دولت شدند و یکی از عوامل بحران اقتصادی که ما به آن دچار هستیم وجود این بانک ها بوده و هست...

این بانک ها تقریباً همه ورشکسته شدند و بدهی های زیادی بالا آوردند. که دولت مجبور شد آن ها را در بانک دولتی ادغام کند. در پروژه های عمرانی کدام گزارش شفاف و علنی از سوی نهادهای نظامی مطرح شده است که بتوانیم بر اساس آن قضاوت کنیم که آنها توانسته اند این پروژه را حداقل هزینه و کار آمدی بهتر در یک رقابت با بخش های دیگر به پایان برسانند. گزارش ها عکس این ادعا را ثابت می کند. مثلاً در عسلویه پروژه هایی که با یک میلیارد و دو میلیارد انجام می شد با ده میلیارد و ۱۵ میلیارد دلار هزینه انجام شده و می شود...

به انتخابات ۱۴۰۰ برگردیم اگر فرض را بر مخالفت جریان اصلاح طلب با کاندیدا شدن یک نظامی در انتخابات بگذاریم اصولگرایان چه واکنشی به این مساله خواهند داشت؟

تحولات عرصه سیاسی داخلی را دیگر بر اساس الگوی دو جریان اصول گرا و اصلاح طلب نمی توان ارزیابی کرد. این شتابلون باید تغییر کند. بخش هایی از جریان اصول گرا نگاه شان به مسائل و منافع ملی منطقی تر شده است و از دل این جریان اصول گرا یک بخش افراطی جدا شده و ادعای استقلال و مالکیت کشور و انقلاب می کند و بنابر این ما با یک جریان اصولگرایی روبرو هستیم که نگاه معتدلی به مسائل دارد و یک جریان افراطی که ادعای مالکیت انحصاری بر انقلاب و نظام و اسلام دارد. برخی چهره های معتدل از نگاه بخش افراطی نامطلوب و خائن دانسته می شوند و برخی هم منتقد حرکت های افراطی هستند. مثلاً روزنامه جمهوری اسلامی که اصلاح طلب نیست آقای محمد مهاجری اصلاح طلب نیست. اما صریح ترین نقد ها را به جریان افراطی دارند. فکر می کنم اینها را باید از هم تفکیک کرد.

جریان اصولگرایی معتدل اصلاً با روی کار آمدن یک نیروی نظامی موافق نیست و آن را به صلحت کشور نمی داند البته بعضی صریح می گویند و برخی به دلیل محذوراتی این را نمی گویند اما به نظر می رسد که طرفدار یک رئیس جمهور نظامی نیستند.

نشان می دهد که آیا این سناریو دست یخت و خواست یک جریان خاص است یا هماهنگی های فزاینده در این زمینه صورت گرفته است و سناریوی عام تری قرار است اجرا شود.

گفته می شود با آمدن رئیس جمهور نظامی، بحران ناگوار آمدی مد بریت در ایران بر طرف خواهد شد و برخی بن بست ها شکسته می شود...

به دو دلیل این ادعا مردود است این ادعا مبتنی بر این فرض است که نظامی های یک نیروی منسجم و متشکل هستند که می توانند مشکلات کشور را حل کنند. این تصور کاملاً واپس مانده است. تنها کسانی می توانند چنین ادعایی بکنند که اصلاً با مفهوم دولت مدرن و اداره کشور در دنیای جدید بیگانه اند. تصور شان از اداره کشور این است که یک نفر با اعمال قدرت و دیسیپلین نظامی می تواند مشکلات را حل کند. امروز معنای دولت به مفهوم یک گروه در قدرت نیست که کشور را اداره می کند. دولت امروز بدون جامعه مدنی و همکاری های اجتماعی و بدون وفای ملی اساساً امکان ندارد که موفق شود...

به عنوان مثال، آلودگی هوا در مقایسه با بحران ها و معضلاتی که مادریم یکی از ساده ترین مسائل و مشکلات کشور است. این مشکل را بدون همکاری اجتماعی و بدون مشارکت نهادهای مدنی نمی توان حل کرد. کشورهایی در حل این مشکل موفق بوده اند که حمایت جامعه مدنی را با خود داشته اند. حالا تصور این که یک دولت نظامی برای حداقلی بدون مشارکت مدنی چگونه می تواند با قاطعیت مشکل را حل کند این تفکر کاملاً واپس مانده و ارتجاعی است. علاوه بر این ادعا مسبقاً به تصور و ادعای دیگری است. آیا نیروهای نظامی در مقایسه با سیاسیون و نیروهای غیر نظامی در اداره کشور کار آمدی و مهارت بیشتری دارند؟ کجا این ادعا ثابت شده است و ما چه کارنامه ای از نیروهای نظامی در عرصه های اقتصادی و اجتماعی داریم که حکایت کار آمدی این نیروها در اداره کشور می کند؟ تجربه، بانک های نیروهای نظامی که پیش روی ماست. در دوره احمدی نژاد که کاملاً

از دستاوردهای انقلاب محافظت کنند. اکنون در قدم سوم می گویند مجلس کافی نیست. کشور را باید ما اداره کنیم و یک نظامی باید رئیس جمهور شود. در حالی که انتخابات مفهومی جز رقابت جریان های سیاسی ندارد و ورود یک جریان نظامی به انتخابات و معرفی کاندیدا یعنی ورود علنی و رسمی به رقابت های سیاسی و این یعنی نقض صریح و آشکار و توصیه های موکدامام.

مخالفت این نظر می گویند که سپاه تنها یک نیروی نظامی نیست و وظایف دیگری هم برای حفظ انقلاب دارد.

خب این دیگر یک شوخی است. شما به صحبت امام نگاه کنید صریح اسم سپاه و ارتش را می آورد. صحبت های امام خیلی صریح است. این توجیحات خیلی لایتجسب است. اگر صریحاً بگویند ما به این سفارش امام ملتزم نیستیم خیلی محترمانه تر است. با این شرایطی که پیش می رود نیروهای اصلاح طلب تا جایی که من می دانم تلاش می کنند به هر نحوی یک چنین فضایی در انتخابات حاکم نشود که پیروزی یک کاندیدا از پیش تعیین شده باشد و بتوانند انتخاباتی با حداقلی از استانداردها را به جریان مقابل تحمیل کنند. اما اگر این عزم همچنان با همین شدت و حدت ادامه یابد طبیعتاً شاهد تحقق نقطه عطفی که گفتم و فردایی کاملاً متفاوت از دیروز باشیم. بهتر است صبر کنیم ببینیم در ماه های آینده چه اتفاقی می افتد... نحوه مواجهه شورا با این قانون انتخابات و بررسی صلاحیت ها

جدا باید به این وضعیت تاسف خورد. پس از انقلاب همواره گفته ایم که نظام ما باید الگوی کشور های مسلمان باشد. ظاهر بعد از چهار سال قرار است الگوی ریاست جمهوری یک ژنرال را به مسلمانان جهان معرفی کنیم. یک وقتی از یکی از وزرا پرسیدیم که چرا نگران دادن پروژه به نظامی هاست گفت من مشکلی ندارم اما وقتی به اینها پروژه می دهم اول دور آن سیم خاردار می کشند و یک سرباز نگهبان مسلح هم می گذارند به طوری که ناظر پروژه من هم نمی تواند به آنجا وارد شود. حالا فکر کنید می خواهند دور مهم ترین پروژه سیاسی این کشور یعنی ریاست جمهوری و دولت سیم خاردار کشیده شود و کسی هم حق سرک کشیدن به آن را نداشته باشد

اگر شما توانستید از سپاه درباره دستگاه کرونا یاب مستعان سوال بکنید می توانید درباره مسائل کشور از رئیس جمهور نظامی هم بازخواست کنید اگر شما توانستید در باره عملکرد بانک های وابسته به نیروهای نظامی و علت و میزان ورشکستگی آن ها و محل پرداخت مبالغ هنگفت زبان آن ها سؤال کنید می توانید در باره مسایل کشور از رئیس جمهور نظامی هم بازخواست کنید. آیا امروز کسی اجازه دارد در باره عملکرد نیروهای نظامی اعم از سپاه و ارتش در جنگ سؤال بکند؟ آیا سپاه اجازه می دهد یک مؤسسه بخش خصوصی در باره تاریخ جنگ تحقیق کند و کتاب بنویسد؟ اگر در باره جنگی که سی سال پیش به پایان رسیده کسی مجاز به سؤال و بازخواست نیست، چطور می توانیم تصور کنیم در باره مواضع و تصمیمات مهم مملکتی از رئیس جمهور نظامی بازخواست کنیم؟ این یک منطق روشنی دارد. من تعجب می کنم این آقایان این همه دم از امام می زنند در حالی که صریح ترین و خدشه ناپذیر ترین توصیه امام عدم ورود نیروهای نظامی به عرصه سیاسی است. یک بار آقایان گفتند چون محافظ دستاوردهای انقلاب هستیم نمی توانیم نسبت به انتخابات بی توجه باشیم. ما وارد رقابت های سیاسی گروه و جریان خاص نمی شویم اما چون یک گروه را خطرناک می بینیم تلاش می کنیم آنها را نیاورند. بعد یک قدم جلوتر آمدند و نظامیانی از حوزه های انتخابیه مختلف کاندیدا شدند تا با حضور خود در رقابت های انتخاباتی

اکبر بیانی

محسن آرمین از چهره های شاخص جریان اصلاح طلب است. او سال ها در شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی فعالیت داشته و در مجلس ششم مدتی سخنگو بود و در کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی حضور داشت. آرمین چند سالی است که به پژوهش در علوم قرآنی مشغول است و کمتر به اظهار نظر در مسائل سیاسی می پردازد. او در گفت گو با «پیام نو»، درباره حضور نظامیان در انتخابات سخن گفته است.

پیش بینی شما از حضور نظامیان در انتخابات آینده چیست؟

مادر آینده شاهد تلاش های بیشتر جریان افراطی حاکم خواهیم بود که به هر قیمتی انتخابات ریاست جمهوری آینده را به نفع خود به پایان برود و یک نیروی نظامی و سپاهی را به قدرت برساند. در این زمینه رودر بایستی هم ندارد و هدف خود را آشکارا می گوید چون نگران رقابت در انتخابات نیست. مثلاً قانون انتخابات را به گونه ای اصلاح کرده اند و برای کاندیداها ضوابطی تعریف کرده اند که کاندیدای مورد نظر شان بی رقیب باشد.

این روزها می بینید خیلی نگرانی از یک طرف در میان اصلاح طلبان وجود دارد که یک نظامی رئیس جمهور شود و طرف مقابل هم می گویند نه تنها اشکال ندارد بلکه باید یک نظامی رئیس جمهور شود و اتفاقاً این برای کشور خوب است.

واقعا در این شرایط حساس اتفاقی که نباید بیافتد این است که چهره های ایران تصویر شود که قرار است یک ژنرال و یک دولت نظامی سر کار بیاید. اصولاً در دنیای امروز حکومت ژنرال ها به سر آمده است روزی در ترکیه، پاکستان، ژنرال ها سر کار بود. ترکیه زودتر فهمید مسیر خود را تغییر داد. دوران ژنرال های پاکستان هم با ضیاء الحق به پایان رسید. همین طور. سرنوشت عراق و لیبی هم که معلوم است. کشورهای آمریکای لاتین هم همینطور. حتی کشورهای آفریقایی نیز از این دوره عبور کرده اند اما جریانی در این کشور تازه یار ریاست جمهوری یک ژنرال افتاده است. و این نشان از پسماندگی و عقب ماندگی از شرایط دنیاست و